

مهمه سی و یکم
اداره مرکزی مجلس
کلکته لوچیت پر روبرو نمبر ۲۵
کارهای متعلقه اداره پیروید
جلال الدین الحسینی المتخلص
پادیس ۳ دوشنبه ۲۲
شهر سراسر مطابق ۱۱
ماه جولائی ۱۹۰۸ میلادی
هر دو بنطرح و در شنبه تقسیم شود

سپان خشم
سپه زار سیه و یازده

حکومتین

۳۶۱
قیمت سالانه و اجرت
هندستان و بره ده ربه
ایران افغانستان سی و شصت
اروپا چین بیست و پنج
مالک عثمانی پنج مجدی
مالک روسیه ده سنات
یکنسده هندستان چهارانه
ایران یک قستان

حجت ابی که جلوه و قیاس و منافعی و دولت است و این دو دولت است که در میان آنها اختلاف است و این دو دولت است که در میان آنها اختلاف است

(اعلان مشترکین مجرمه)

جناب عمده التجار و الاعیان آقا محمد صاحب آجو کارزانی که از تجار معتبر ایران
مقیم بصره و از مردان آگاه بصیر و واقف میباشدند از راه معارف شایسته
و کالت اداره مجلس المبتن راد بصره بذمت همت خود نهاده اداره را بر
استان خویش که مرده اند مشترکین بصره ازین به بعد در امورات سلطه
باداره باید رجوع بجناب ایشان نمایند

(سیاسی)

تکرار حق سیاست بر اعظم اروپا روز افزون میشود و این مسئله واضح
بوده و دول عظام فرنگ هم رسماً اعلان داده بودند که در جنگ ویتن
اتارونی و اسپانی بیطرفی و سکوت خواهند داشت چنانچه اکنون هم دول
اروپا بقول و دستار خود پای بندند ولی آنچه محل خوف و بیم اختلاف عمومی
دول در آن میرود همانا صلح دولتین اسپانیاه اتارونیست چه دولت اسپانی
در کمال قوت خود است و دولت اسپانی در کمال ضعف و ناپایداری اگرچه
از دو دولتین متواضعین بر فزونی پیش صلح شده ولی چنان استنباط میشود که دول
میسر او فاده بنای مصالحت را بدین اختلافی که بین دول و استعد و شرط
مصالحت خواهد بود دول اروپا که طرف لجش در باطن میخواند دولت اسپانی
بیشند هرگز رضای نخواهند داد که دولت اتارونی شمره کامل فتح خود را بچیک
مثل آنکه در جنگ یونان گذاردند دولت علیه از فتوحات خود کمالاً بهره
لابد دولت اتارونی را بشدای صلح بیکدیگر خود بنا قرار داده باشند تکلیف
خواهند کرد و دولت اتارونی که سرشار فتوحات خود است بحالیکه با
تن در نخواهد داد البته در تصور دولت عظام به خواهند شد که دولت

اتارونی را در قبول تحلیف خویش مجبور نماید ممتن غالب سیاسیون است
که در عرض این مغفرت مقدمات صلح در میان آمریکا و اسپانیایش آید دول
عظام میل ندارند که فتوحات دولت آمریکا دولت اسپانی را مجبور و صلح کنند
تاکنون اگر چه در همه میدان علیه دولت اتارونی مسلم بوده و دست ولی
فتوحات دولت اتارونی بعضی شرایط ضعیف رفتار صلح بد
دولت اتارونی بخوبی استنباط کرده که سوای دولت انگلس که ظاهر باطناً
درین جنگ با او همسرای دارد دول سائر با او معیت ندارند و صرف
سعیت دولت انگلس خواهی دولت سائر را بر آنها چاره داد ازین جهت
بتحلیف دول عظام در شرایط صلح رضای ظاهر دولت آمریکا و صلح
شماره داد و اول تحلیف که با او تمام توان جنگ توکم و گذاردن میکند
در یکجا با آمریکا - بقدریک امید است در بحث شرایط صلح شکایت همیشه ایچ
در قیام جنگ امید بود تمام بدترین جنگ قبل از وقت در شرایط صلح
بگیران اند سفیر دولت انگلس از رئیس جمهوری اتارونی استفسار و توضیح
کرده باری اسپانی ظاهر سوای صلح چاره ندارد آنچه ظاهر میشود حسینه
فیاض بین دول فرنگ در عوض تا شامش کوشش قربانی تقسیم خواهد
دول عظام تصرف آمریکا در فیلیپین یاد و تسی انگلس هرگز رضای خواهند داد و دولت
اسپانیاشکل است که فیلیپین هم با و سپرده شود امن نگاه دارد و کله غربالی و کله
اسپانی از بلوی بناوت عایاست غزای فرانس روس چند نیست خنده در هیچ
جنگ صلح دولتین اتارونی و اسپانی و شدای صلح آنها نمیتواند امر که
زیاده باعث توهم سیاسیون شده تهیه و تدارک جنگ بگیری است
که بطریق غیر معمول تمام دول مصرف اند

(مفسر است)
تاریخ جنگ اسپانی و اتارونی
در جنگ اسپانی و اتارونی
در جنگ اسپانی و اتارونی

میتواند همان ایام میرزا نصرالدخان و محمد حسن خان سرهنگ روایت بشود
حکومت بنا بر تبدیل می یابد مشاهده میدهند و در هر دو یکی که اراد قوام داشته
که جنس ایت یکسره رسیده و عیب جوانی و دولت علیه هستند آنچه آنها می بینند
خالی از اغراض و علونیت حقیقت مطلب این است که عرض شد تصور بر سر
و ارد است این کیفیت معلوم میشود

اقتدار کتبی که تازه رسیده حسین خان سرهنگ مجدداً ایستاد
حکم و تسلیم دادن آن تیریهاییاب کار گذاری از جانب توابع و اولاد فرمان
فسد ما از مبلسی هستند خیر هم از شیراز حکم جدید خواسته ام از قرار کتبی که
عباسی رسیده حاجی حسین امین التجار وکیل چهارم جمعی که گری قماش را در
در انبار خود آورده گذار مکنده و وقت حرکت محمد حسن خان از شهر من باب
اشتی یک قبضه تفنگ با ابرقارن کرده مسلح بسیار است چون وضع خیر
بروقایع مجاری نیست جناب عالی در مساعلات بی غرضی بنده را امید امید لازم
نماید البته ازین مختصر حقیقت واقعه عباسی ظاهر خواهد شد لازم نیست که مابین
در رسم تصور بر کسی ثابت کنیم از بمبئی در هشتم شهریور ۱۲۸۸

(راست محسود الکاشانی و چپ کجائی فارس)
حادثات ممالک عثمانی ترجمه از اخبارات عربی
اعلیحضرت خلافت پناهی در تأیید علمای مصر و اسلامبول من باب اتحاد ایکن
در اخصم خوانند و بنده دل داشته اند امید است که اعلیحضرت اقدس شاهنشاه
ایران هم درین موضوع سلسله جنابان علمای ایران شوند
یک راس - اسب عربی بسیار ممتاز از اسطبل خاص اعلیحضرت سلطان است
پرنس آلف ویلر و لویی عهد انگلستان تحفه فرستاده اند

من باب سرکشی بعضی از شیوخ عرب در ساحل فارس بر او برادر دولت علیه
عثمانی نشوونده ستاده این اقتشاش در اطراف لحاظ و قطیف گوشت
سابق بر اینها هم نوشته بودیم که بعضی از کرگان بلباس میش عورت
این اقتشاشات اند و قایم نگار حبیب المیتین باز این اقتشاش از زمینهای
چون آثار خط و فضا در مملکت حجاز پیدا راست رجال دولت علیه عثمانی
بکسر پستی اعلیحضرت سلطان اتفاقاً از آنجمن من باب جمیع جا عانه فرستاده
که در وقت ضرورت اهل حجاز را از خط نجات دهند

اعلیحضرت سلطان کمال تأکید را در تعمیر جامع مسجد اموی دمشق با مورین
اقتدای کند نموده بودند اینک در نهایت تمهیداتی در دست شد
در کسریه بندی تسلی میانه با مورین عثمانی و یونان اختلاف وقت شد

احمد تقویه نامورین دول سار که از کرد و تسلیم کرده عمل کند
ختم شد این بعد هم ختلاف میانه یونان و عثمانی حکومت
حکومت مصر از ختم یک بعضی مشاوریین اراده داشت که راه
که در خاک سودان تازه ساخته میشود بعضی یکجانیهای نارنجی و غیره
درین مراتب صحیح دولت عثمانی لازم بود و بیابالی اطلاق داده اعلیحضرت
سلطان با تأکید زیاد منع فرموده اند که راه آمین قریب را بنای
بخار در هند و خت و اگر حکومت مصر بواسطه ضرورت بعد اراده شود
یکجانیهای دولت علیه عثمانی در حیدرآباد و اوای و چون حاضر اند
پس از دیدن این حکم از خیال فروش آن راه بای آمین منصرف شد
محمد تقی که مشق در نهایت سرگرمی ساعی در ترقی صنعت و وقت
سال گذشته اصل حکم که در سینه بر پارچه تخمین شده تمام صرف
تعمیرت ملک و صفائی و غیره نموده اند صدها هزار و کسری
چندین بار گذارده اند

اخبار ترکی میسر سفرات فوق العاده اعلیحضرت سلطان که پیشتر
رفقه سعادت نمود به نشاء و مقصودی که رفقه بود کمالاً میباید
اینک اعلیحضرت بجهت همان نشاء سفیر فوق العاده با نشاء فرستاده اند
از تدر این کامیاب یابی این سفارت تمام ظاهر است پس از حدودت این
سفارت با ایتالیا و ایتالیانس هم سفیر مخصوص فرستاده نشاء
کلیه این سفارت این از تدر این ظاهر میشود و امر است یکی و دیگری
گرفت دیگر تخمین کرد

اخبارات ترکی تکلیف میکند سلطان در او را در اتحاد با المان نازک
زیادیهایی دولت فرانس را بیاید که این را می و تکلیف چندان قرین
سیاست نیست همچنان حکایت که سفینه و قضا است
چه از چنگال کرگم در بودی
پدیدیم عاقبت کرگم تو بودی
سلطنت در او خود را در حسایت دولت علیه عثمانی یاد در بودی و تو را
سلطان حکم کند هم از دراز دستی فرستاده خواهد بود و هم
بر بعد و میت ملک او درین اتحاد خواهد رفت این امر را مناسب است که

سیاسیون عثمانی بطریق خنده از روی حکمت عملی محرم شوند
اخبارات ترکی میسر رسیده که ترجمه قلبی تمام اسلامیان کجانب اعلیحضرت
کله آنها را در کلمه جامع اسلامیه سیاب رنگ تمام دول اروپا داشته خصوص
روس و کلیسای عریای اسلامی آنها بجهت است

اردوی ما در تهریز رسیده است از آنجا که کرب و محنتی غیر از اختیاری در قلوب
 کل ارباب آن مضافات است بمن تشنگین پیوسته می بخشدی جرئت میش آمدن
 نکرده است و جناب سید یارین سید علی را که از اسادات حلیل القدر آذینا است
 از طرف خود و فیضیل خان و واسطی و مستحق خود رسالت خدمت خو این
 عظام فرستاده از آنجا که غایت طلبه اینها ما انتظام و امنیت آنصفت
 و اصلاح امور رعیت مایات پردازی آنها بود قبول توسط فرموده و بجهت
 توسط سید یارین سید یارین فرستاده حاضر حضرت خو این شده و میری و واسطی
 خاد و محبت بهت فیضیل خان شده میرفای خان برادر فیضیل خان را که در خلف آبا
 همه است او بود با طاعتی سر رشته دارا و در حضرت خو این حاضر کرده و گفتار
 اصلاح و التماس خلف خان و بخت امان نموده و حضرت خو این هم باکل
 محبت و همراهی تمام مقصد فیضیل خان را چنانچه صلاح حال دولتک و مقتضی وقت بود
 قبول فرموده و قرار داد که فیضیل خان حاکم رود خانه همدان و ده طابا
 و از جانب حضرت ابالت حکم انجامد پس از آنکه تسک مایاتی میر رحمت فرموده که
 و حکومت جراحی هم چنانچه مایات محل میر می می فرموده بود با تو متفر شده
 و شیخ میری مسترد داده شد که شیخ محمد آقا خان شیخ المثنیای فلیه را بگذاشت
 فلیه قبول کرده و شیخ حبیب فلیه سیرد و تا ما قبول کرده مصالحه نامه
 بگذاشت میری نوشته شد و همگی است در بدو و خواهی و مایات پیداری و
 خدمات همه نمایین بدولت علیه و قبول خدمات خود کرده و در همه شیخ المثنی
 و میر فیضیل خان و میر میری خان و شیخ میری دور کرده خدمت خو این سپرد
 و حکم فرموده در در چنانست و همان روز فیضیل خان با مان و بخت خو این
 باشد و کوچه بجهت ده ملاچینس کرده و آرد و خلف آباد آمده میری خان و تقر
 حکومت مای و داد شیخ المثنیای فلیه را با مثنیای حبیب بجهت شیخ میری روانه
 فلیه کرده صبح روز یازدهم شهر حال از خلف آباد حرکت کرده تمام اردو
 در خدمت خو این وارد راجه فرستیم در بین راه که مکند و دست دوست
 سوار بود که بجان خلفت داده از اختیاری و راجه فرستاده مایاتی تیره هم در دست
 دادند و پروانه مایاتی فرستاده که جلوسپاه را بکند و نگذارد سوار سرازیر شود اگر
 چند روزی و حکم کار مصالحه مایاتی رفته بود مردم شاه پرست و تو را بچشای
 و دست از کار رعیتی برشته آمده جان ناری بودند (میر شیخ المثنیای فلیه)

(انزلی)

از اول شهریور تا آخر ماه مذکور ۱۳۱۶ میل و در فرورد و اردیبهشت
 و بهی مال التجاره روس اوقیل قند و مکند و مختلف پای و توشی بکرت اردو

رویته را در اردو و در انزلی شده و تمام این واپور با مال التجاره ایران
 از بند انزلی باز برویته حرکت کرده انزال التجاره ایران اوقیل روس بکشمش
 و سایر خوشگوار دیگر فلیه چشم پرست و فلیه فلیه است هرگاه واپور مای
 از رفته عالی این بندر سیراید از اجناس تمام بار برویته سیرود سایر بنا و ایران
 بشرح اینها شرح درود کشی تا از اول ماه ذی قعدة الحرام الی آخر آن چهارم
 ۲ ذی قعدة حمران اوذینه ۳ مانده ۴ دوره پوست
 ۶ پست محمدیه موصافه ویزان تیره ۷ طومان
 ۸ پست ۸ ایران ۱۱ پست ۱۲ پنجه ۱۳ پست
 نارتین سویرق ۱۴ آبا تبغه ۱۵ مبارک
 نی نه او شون بادی ایضابادی ویزان تیره ۱۶ مسینه
 ۱۸ پست اوذینه ۲۰ پست ۲۱ اصلان او شون بادی
 ۲۳ دیره پنجه نی نه ایران ۲۵ ارارات
 ۲۷ پست ویزان پته ۲۹ آبا کرجی تبغه
 مارتین جسر کل ۴۲

از تهریز که چینی استنباط می شود که خروجی مال التجاره و انزال اردوی
 خارجه اضافه باث و تهریز اردوی از صادرات عملی برای مگر کات و انزال
 باب صدی پنج صادر آمده بود و باره آن تهریز اردو در اوقیل و داشته
 و مگر کات تهریز اردو معمولی سابق باید بر تهریز باشد
 از واپور روسوم طهران محمول یا نقد عدل قورخانه که متعلق بدولت قلمبه
 از ۲۵ ذی قعدة الحرام وارد بندر انزلی شده و تحمل این عدل مای قورخانه محل
 بار الحسنا شده و تا در ثانی چه فرموده دستور العمل برسد
 کرجی بان باشی این بندر باغزای بعضی باغیاب سده لطنه زرشته کرده از کرجی مای
 بندری این جا مطالبه ایستار و مانده که نقد تومان دارد و میگویی من فرج
 بیقرار برای و زرای مختار ردول خارجه کردم و حالیکه سفاری دول خارجه در وقت
 یکسال اگر بخار جسر بان بندر اگر بکنند تمام اجناس آنها را همانند
 که از دار الحسنا فلیه ما مور می شود از سنه ۱۲۰۰ دولت کشید و دیگر چه پول بیقرار
 کعبارت از اجزا بوده باشد از کرجی بان با مطالبه و اردو جبر امیکر و جناب
 سده لطنه مکران هم که جسر میفرمایند این پول باید گرفته شود و حالیکه در زمان
 بیقرار خارجه کرجی بان باشی باید از کس خود بدو بجهت اینکه ماه یکقران از
 کرجی بان با حق العسل کشید و یا نقد فرود کرجی بندری درین بندر کار می کنند
 علاوه از تهریز مایانه بر کرجی که از بارگاه دریا از واپور مای مال التجاره مکران

سیاست و تحویل مکرر کانه شود و او را باید که بجای بان باشی بگری و از تجار و بندگان
 بگری بان باور عمو از هر گری تفاوت یک قران دو قران حق الهی میگردد
 که نشانه اینها و او را در خصوص جایونی که درین بند است برای حسیست برای
 این است که سزای دول خارجه را در زمین درود از بارگاه دریا بکنار بیاورد
 و رسم بند پر بازار بیره و آن و او را در خصوص از خود نگاه کری می دارد
 برای عین کار و خرج را هم از دولت علیه بقرار معمول میرساند و دیگر چو باید که گری بان
 باشی از گری بانان بی سبب و با کفایت یک پیرهن در بدین شاسته ننگه
 خسارت و دریاورد و کری بان نامی گویند اگر دولت از ناگاه بگری دور
 طرف سال ده توان بگری و بکمال خوشوقتی میدیم در صورتیکه بدینم این مدخل
 بخشنه از دولت عاید می شود اگر که رضی میسوم و نیاری از ما سزایان بگری
 بان باشی با نایب لکومر بنف و دیگر در ملک خدا رضی خواهد بود

فتاوی توفیق اسلامیه
استعداد و روی روحانخانه شیعه ریاد

کتاب فیل را جناب ستایب عمده العلماء العظام حاجی آقا سید ابوطالب موسوی قدس
 زنجانی که امر و زان از جمله علمای اهل بیت میباشد از راه اسلام پرستی با دره شایسته
 بجهت اینکه رؤسای روحانی فتنه قدسیده بدین در اتحاد اسلامیه مصروف متوجه
 عین کتب نشان را درج فرمودیم امیدواریم که خداوند این اتحاد مقدس را کمال
 اقبال اسلامیان اینجمن از باب برسد و آنرا به معراج حقیقی خود عروج نماید
(مکتوب)

بدر خرم جیل المیتین از رحمت افرایم در نمره ۵۱۹ ذی قعد ۱۳۱۵
 شمی از احساسات عالی و نیات مقدسه تریفه حضرات علماء اعلام و مقامات
 جامع شریف مناخر و دیف از هر ایام هم الله بنصره العیز در باب اتحاد و صف
 اسلام تحریرش بود الحمد لله الهی اذهب عنا الحزن ان ربنا فقیر شکویم تمسده
 عالی که ایضا و اسلام بشمول آن است بیست سال است که مسلهای ضعیف عالم
 بوده و مرحوم حضرت پاشای شیرمان با تیرش بپهران که حسب آراء اهل
 خلد ایشان بر در ناصر الدین شاه مشغول طاقات گرم لهار نموده بودم و لکن
 سوجات زمانه مساعدت با خیال عاجزانه نمود مرحوم شاهنشاه با اتمه ایران
 دهندگان و در کستان نادیده آفریده این احساسات عاقلانه را داشت
 از دو خط و خطات بموقع اجبه اینها که این خیال مؤثر عظیم صورت گرفته بود
 قطعات اسلامی مانند کشت قربانی در دست بی کمان تقسیم نمی شد هر
 صورت هزاران شکر باید کرد که این کار بزرگ بستیاری رؤسای دین خواهد

صورت یکدیگر و یکی از معارف حضرت جلالت حضرت اقدس شاهنشاه بکمال
 پناه سلطان اعظم عبید الحمید خان غازی و ام ولد علامه العالمیه محمد علی شود
 ای حضرت اقدس هایدون شهریار تاجدار منظر الدین شاه ایران علی علیه
 بشخصه در عالم اتحاد ثابت را رخ هسته تالی علماء اعلام محترم ایران از عداوت
 خوانان یوقن و تائیه هستند و همه تابع تو این مطهره نبویه مقدسه باشند محمد
 رسول الله و الدین استند محمد علی کفکار رحما و همهم مانا همه برادر هستیم ان
 المؤمنون اخوه پس از اینکه مسکله است کبری حکم لزوم و اتفاق وقت محل خیار
 و مسافرت قرار داده شود و همه در تحت میسوق توجیه جمع شده بر آوردار
 رفتار کنیم قیام قدرت اولیای اسلامیه بجهت خواهد کرد اختلافی قوی هم نشانی
 نمی شود زیرا که فقه شیعه با فقه مدینه و بغداد و کوفه و مصر بیابانیت نامرزا در فقه
 بسیار کجاست المسلمون اسکافا و ما هم ویسی نیستیم و ما هم هم غلی بن سوا هم
 دزای نخواسته هرگاه دشمن با خواستیا طین این اتحاد مانع شود فعلی اسلام
 فیکالیو که من در حبه این مقصود مقس مال و تحمل شوق سفر حاضر امیدوارم
 که نیاج جلیله این خدمت نامریدین این از روی مقدمات عاقلانه بزودی
 تحصیل شود و در مجلس بیار فخرم عالی و شورای کبری اسلامی رفع جمیع نواقص
 عسوم اسلام یک دست و بجهت و بکقول شده شروع نمود از اشریت علامه
 علی صاد و جمالیاف لینه و اولاده و السلام در کتک چا در هم عالم را بگذازم نصر
 من نصر و نیکوایه و با بر عیشه بالبنی محمد و اوله و صحابه صلوات الله علیهم اجمعین

(جیل المیتین)

اگر چه محمد اله از بدو اتحاد و لیتین علیتین عثمانی و ایرانی تمام مسلمانان هستند
 مایل بجان اتحاد و اخوت اسلامی شده و دولت شیعه و سنی در هر نقطه هستند و آن
 چون شیر و شکر در هم آمیخته تمیزات دیرینه و اختلافات قدیمه آنها که بپوش
 ضعف فریقین و علت غلبه اقوام و ملل خارجه بر آنها بود رفع کرده و بیچارگی از سنی
 چهل سال این طرف تمام بچرا افتحات نهی میسازد این دو فرقه در عدالت و کسب
 دار و آخرت در تمام هستند یک مقدمه و مراحقه نهی میسازد شیعه و سنی در کسب
 و آنچه مقدمات ده ساله و بخاله در عدالت از آنها دار بود همه را خیر خوانان اسلام
 برداشته و بمصلح فیصله نموده خلا لیک نکته باقی میباشد و آن نکته اینست
 که خیر خوانان اتحاد اسلام همه عداوت هستند و ستان کانگریسی بجهت اتحاد اسلامی
 قاسم نمایند تا سالی یک نوبت و کلامی اسلامیان از هر بدو آن کانگریس
 در موضوع بجهت نمایند بجهت اتحاد اسلامیان امروزه بهترین کار روی

کارروائی بیسج نیست و ممکن است که شاههای کانگرس در تمام ملک اسلامیته از قبیل ایران عثمانی مصر فریقا چین و غیره کشیده و در بیعت با اسلامیان اہم ترین کانگرس بیسج ادری نیست البتہ انحاء این کانگرس مثل انحاء کانگرس ہای دیگر مصارف دارد ولی چون عامہ اسلامیان ہندو شیخہ و عینی اہم از مردمان اعلیٰ و ادنا و متوسط ہر قلیا راغب بہ اتحاد میباشند تنگ نیست اگرچہ نفع از بزرگان و دستہ اول اسلام در مقصد مقدس اقدام نمایند عموم مسلمانان بقدر صحت و ریاضت ہا ہر اہمی خواهند کرد و چون کہ اندکی مردم درین دائرہ آمدہ و از مفاہد آن متلذذ شوند امید است کہ تمام واقعات دیگر با اسلامیان ہم از برکت این کانگرس تمکین یابد

(قابل توجہ معصران اسلامی)

پرو شخصت کہ اعظم وظائف مطلوبہ عات اسلامی کشش ترقی اسلام و رفع فاقہ اسلامیان است و این مسئلہ نیز مسلم کل است کہ بہترین وسیلہ ترقی اسلامیان و عروج اسلام اتحاد است کہ صاحب شریعت مقدسہ جزو ایمان و شہد اسلام قرار دادہ است در مجموع کہ جوش اتحاد در تمام اسلامیات عالم موج میزند و ہمہ بخواہش خود راغب با دیکدیگر تراز و اتحاد کانگرس بیسج نیست و قائم نمودن کانگرس در اتحاد اسلام این اوقات چندان دشوار نیست لہذا اگر بیسج اسلام با چندی این عنوان را موضوع بحث نمایند و مفاہد این عمل مقدس را بر عامہ اسلامیان ظاہر دارند ظن غالب است کہ زمانہ قلیلی برای مقصد مقدس نائل شویم و ادرہ اجل المتین دستہ دار است کہ این کانگرس در ہند مقصد و شاخہایش ایران و روم و مصر ہم کشیدہ شود این وقت درین مقصد مقدس با اشارہ اکتفا کردیم امید است کہ معصران اسلامی با جہتہای نافع درین عنوان ہر یک ما نمایند پس بعد درین عنوان آنچه بدینیم خواہیم نگاشت از خداوند جوایم کہ ما مسلمانان را زیادہ برین موفق کند و بجز خدا

(اتحاد و دولت بزرگ اسلام یعنی شیعی و سنی و ایرانی)

وقایع نگار جبل المتین از طهران می نویسد کہ آنچه از آثار پدیدار است متعلق بہ فرستادہ و نصاب مستحقانہ روزنامہ مبارکہ جبل المتین و طبایع مختلفہ و غیرہ متباینہ تمام افراد اسلامیان عالم با اندازه استعداد ہر یک از آنها اثر کلی بخشیدہ بیسج فرقہ از اسلامیان نیست کہ از خواندن این جسدیہ بفریہ مخلوقہ شود سار جسدیہ اسلامیہ از فارسی و غیرہ تا سی جبل المتین مستندہ مقالات بسیارترین در اداسگان گاہ گاہی میبینند این شہرہ درین وقت

تمام اخبار اسلامی اصول و حکمت عملی خود را خواہند داد چنانکہ استنباط میشود و کجہ دلدہ اسلامیان تمام عالم از خواب غفلت بیدار شدہ و در تلافی مافات و صدہ اصلاح امور خود سعی اند اول جزئیہ عروج اسلام و ترقی اسلامیان با دستاختر میشود و دو لیتن عثمانی و ایرانست از توجہات اتحاد مقدس تمام مسلمانان عالم مائل تھا و اخوت حقیقی اسلام شدہ از بسبب دلائل و منہ آن است کہ در یکی از لیالی عشوہ فاشورہ اکرام تہنہ داری حضرت فاس آل جبال علیہ لاف التہ و التہ است بخواہش سفارت کبریا دولت علیہ عثمانی جناب جلال تہاب شمس الدین یک دستہ سینہ زہنا سفارتخانہ دولت علیہ عثمانی رقتہ در سفارتخانہ مبارک شغول بجزاداری و سینہ زدند و جناب بیفکر کہ الحق بزرگیت اسلام ریست و اتحاد پروریکلطاف ایشال تہا کشمیری و چند لیرہ عثمانی بدستہ سینہ زن انجام دادہ با کمال ہرمانی مغفرت ترا بودہ کہ اگر وقت تنگ نبود ہسیہ آسن باشما ما در تقریر داری و سینہ زنی و کردش در کوچہ و بازار با کمال فخر و مباهات شکر تہا میگردد

و این اول مرتبہ بود کہ دستہ سینہ زن سفارت کبریا دولت علیہ عثمانی رقتہ است این نیز یکی از علامت بزرگ اتحاد دولت و دولت عثمانی و لیرہ خداوند این اتحاد قائم و مستحکم بدارد و روز بروز ترقی و عروج و در راستی این ایام در دار الخلافہ با ہر مجلس بیسج مجلس منعقد نمیکرد و مگر ہر بخت از اتحاد اسلامیان در آن مجلس نشو و این ایام شوریکہ بر سر امانی ایران در آداب ابراداران اسلامیہ بیسج زمانی و بیسج عریدہ نشدہ اند

(ادربایجان)

وقایع نگار محترم جبل المتین میسوزید حضرت مستطاب اشرف الاولیہ بعد از شکر تہا از اول محترمہ در تنگہ مخصوص کہ موافق رأی والای انصرت با تنظیمات و تنظیمات و رونق تمام عسزاداری برپا داشتہ شدہ از ساعت پنج بجزو بیاندہ والا حضرت حضور ہم رشتہ تاملی اعیان و اشرف فقراہ اغنیاء و غبار از جمیع مفاہد آل جبال کسوزن و تنم مجلس بدعای ذات اقدس طوکانہ و والا حضرت اقدس ولیعهد و با اتحاد و دولت و دولت اسلام شدہ

(اروسیل)

وقایع نگار مذکور میسوزید جناب مستطاب جبل اکرم آقای علیخان حکمران اربیل مدت شدہ سال است کہ از جانب الا حضرت اقدس ولیعهد و خطہ اربیل حکمران اربیل بعد از تاملی از روزیکہ قدم باروسیل گذارشتہ تاملی کارمای او را

حکومتی را از روی حقیقت بجای بردمان کافی محول نموده از خیل
جناب جلالتاب رشید الملک امیر تومان اجسام و ریاست تمام ایلیات شاهین
پسره اندنیزین رو در این مدت حکمرانی از حسن کفایت جناب مغزی
ایده خطه آریو میل که اهمیت حکومت انجا و آسایش عشایر بر تمامی حکمرانان
سلف معلوم است چنان آسوده نموده که در این مدت هیچ وجهی یکفر حرکت
بیقاعدۀ رو نموده است می توان گفت از حسن کفایت جناب مستطاب اهل
خان حاکم و جناب رشید الملک تمامی عشایر شاهین چنان تربیت شده
که مناسبت بایام سلف ندارند

در باب غله یوانی آذربایجان هر چه میخوانیم از بیستی مختصر شرحی عرض کردیم
پارای قلم نیست از خبر این جماعت بدست قسریب بقدر آرزو از غله و غیره
از دست راسته تومان تعمیر نموده اینار می نمایند دوباره که دولت را بجهت آسایش
فکر لازم میباشد اولاً تا شایع نماید که غله ندریم و آنچه لابد مانده اظهار از بیستی
بسیار قیمت را بدولت بهشت تومان میفرموده ایوم گندم
کشموری یازده تومان میفرود شده و حلقه فرمایند فقر از دست این
مختصرین پیشکشند عجب تری که عموم ملت در عینت فرد آفرود مختصرین را
فضیده و منتقت شده اند در پشت دیوار حریفی بجز لعنت و نفرین بخت
نمیباشد امروز گندم دیدیم پیش مرغ ریخته اند نخورد و ملاحظه فرمایند
مختصر بدروت پیشکشند

کتاب (پیشی)

در محترم جلالتین را زحمت میدهم در نزهت ایست بهم خبریده فریده
جلالتین که طاعت ایرانیه را ایتمی بین است شرحی از بابت بی اعدایهای
سند عباس اخبارات انگلیسی ترجمه شده جسته جسته تشریح بعضی مرتباً
هم از طرف قایم نگار محترم خود نموده بودند ولی حقیقت و علت قویات
نگارش نشده بود لهذا محض استخار خاطر مبارک درج در جلالتین حقیقت
ارو ملت اصلی آن را بیکارم

در ماه جمادی الاول ۱۳۱۶ حاجی میرزا محمد علی صاحب تاجریز دی منفه
گتری قاش لنگن از چهار حسیده برات یزد داده ستمی را ارسال بند
عباس و از بجای محمد جعفر و شرکا کرده که محل میرد نمایند در ماه رجب شرکا
نه کورد عباس و یزد کارشان حسد باشد آقا علی اکبر که از حسد شرکا بود
وار و بیستی برات غیر هم میرد کول شهابی میرزا محمد علی قاش عباسی

بسیار و آنکه اگر که در عین حال خودمان بود ما نیز ناچار قبول کرده فوری نسخه
ثانی ستمی و حواله را در دست نمایند کارگر آری عباسی حسد ساد که نخواه را جلوه کرد
و تصرف نمایند بعد معلوم شد که آقا علی اکبر گتری ۲۴ داری را تصرف شده
و بعد آن از میان رفته است ۱۴ گتری دیگر اشخص که در یزد از حاجی میرزا علی
دعوی طلب و محاسبه و استیجاب حاجی حسین تاجر که داری که وکیل جهازات
امین التجار است سفارش نموده که تصرف کنه وکیل جهازات هم چهارده
گتری نخواه را بقول یک عی غیبه معلوم تصرف شود نایب کارگر آری توسط
حکومت نخواه را طلب میکند نایب الحکومه نخواه را میپارده که هر کس حق خود را
ثابت کند و حکم حضرت والا فرمان فرما را بیاورد نخواه را تصرف شود چه در آب
کیمانی فارس از شتم از اول از جناب جلالتاب اهل آقای بجهت الملک حکم گرفته
عباسی میفرستند همسوز حکم نرسیده بود که نایب الحکومه معزول میشود و حاج
حسکی از آقای بجهت الملک صادر می شود میرزا نصر الدخان نایب الحکومه اجرا
باین واسطه میگرد که حسد بان حضرت لازم است ثالثاً که شش میشود تا
فرمان حضرت والا ب نایب الحکومه عباسی و محمد حسن خان سرزنگ در تصرف
دادن نخواه بنا بایب کارگر آری صادر می شود نایب کارگر آری حکم نواب
که در سلسله کیمانی فارس بود بحکومت عباسی منیاید وقتیکه حکم ثانی از آقای
بجهت الملک میرسد نایب الحکومه با وکیل جهازات عجم این گفتگو را در میان
آورده است و میگوید که نخواه موجود است ولی تصرف دادن آن منوط است
بحکم نواب و الا شکرمان فرما و قوی حکم فرمان فرما رسیده حکومت از وکیل
جهازات ۱۴ گتری قاش را مطلقاً میسکند وکیل جهازات با اینکه خود اقرار
بر موجودی گتری نا کرده و مهلت پانزده یوم تا رسیدن حکم فرمان فرما و وقتیکه
وکیل جهازات حکم فرمان فرما را ملاحظه میکند که این نخواه از روی شریع
دعوی و اصول تجارت حق طلق کیمانی معتبره فارس است جواب میدهد که گری
قتداسش را من پانزده یوم قبل روانه یزد نمودم نایب الحکومه در کمال بیعت
الظهار میباید که شتاق فرستادن نخواه را از روی اقتدار خود داشته ای
وکیل جهازات بدون آنکه ملاحظه احترام مسند حکومت کیمانی سده سینه سلطنت
سخت جواب میگوید نایب الحکومه پر قاش میکند گفتگو خیلی میشود حاجی شمس
گله داری بجهت و میگوید که نخواه را بیاورد در کمر که بگذرانند و بهر نوشته
حکومت رد و بدل شود زمان بر فاستن نایب الحکومه دعوی دهیم میکند
وکیل جهازات بنوعی عتسائی و جبارت جواب میدهد چه و سائر همایان
مش را ایله هم زیادتی میکنند آخر کار یزد و خور و سیرسد و از میانه و نفر و جوی

(اجتبارات خارجه)

والا حضرت امیر عبدالاحد خان مسلمان فرمای بخارا و قنقور و اردبیل تبریز شده
از طرف امپراطور روس از استقبال و خیزه کمال پزیرائی از ایشان مشر
وقتی پادشاه چین بخود آمده که آب باهمه از جوی او قناده است تا یکی سنا
اعلانی که خطابش تمام رعایا است اده در اختلافات ملکی و غیره از رعایای خود
مدخواست که سهل انکاری و کاهلی و نفاق را گذارده در نگاهداری وطن محترم
خود محمد پادشاه تونگ (عزت دراز یاد که این هم غنیمت است)

دولت علیه ایران هم خوب میداند که بدون امداد و تأیید و اتفاق ملت دولت
ترقی نمیشود از نمود خوب است ده یک آن همراهی را که بارعایای خارجه داریم
بارعایای خود داشته باشیم تا ملت دولت یکی و دیگری را معاون نشود و گدا
نکرد و کام راه های ترقی مسدود خواهد بود

در مجلس ملی انگلستان این مسئله موضوع بحث شده که دولت انگلستان
قوه بحکمی خود را از اید نماید رجال دولت انگلستان کافر و منسلب سعی ملخ دارند
در بنده رالفرد که در کپ کالونیست شهاب ثاقبی بسیار عظیم بنین او قناده بقول
اجتبارات انگلیسی از قوت و بزرگی شهاب ثاقب گوئی در زمین پیدا شده
که هسل زرع طول و بیست زرع عرض و چهارده زرع عمق او بوده تاکنون در
تواریخ نظیر این شهاب ثاقب دیده نشده است

بموجب تلگرافی که تازه از اسلامبول رسیده یونانیان بعد از تخلیه تسلی
باترکانیکه در آن سرزمین بود و باش خستیار کرده بودند بنای زیادتی را بنها
چنانچه در اوقاتی شمش نغز از ترکان را سوزانده در لایسایم سه نفر از ترکان
کشته اند بسیاری از باشنگان تسلی از نصاری و یهود و مسلمان همراه قتل
ترک بخاک عثمانی چسبند کرده میانیه

امام زنجبار در جد سوم نشان کوب با همصطلق مامیر و دبیر اخبار لسان
الحال که بیری در مصطلح میشود عنایت کرده

بعضی اجتبارات انگلیسی معلوم نیست بچه مقصود این مسوان را موضوع بحث
نموده اند اجتبارات مذکور پس از تفحصی که در ترقی تجارت و حفاظت و فوج و
مصنوع میشوند میگویند که عاقتی بفرط خوب بقصد امیر سیرون می آید
هفتصد و پنجاه هزار لیره مصارف این لشکر کشی است پس از موقوفی این مبلغ
اخر مصدق خواهد شد (بهر رنگی که خواهی جاسدی پوشش + من
اندازد قوت را می شناسم) بسیار سکه هم بزرگ سیاسی را از اینجذانات در دست
دارند بعد ما درین موضوع بحث خواهیم کرد

در کشیدن سیم تلگراف از تبریز تا کابل و کابل مرگ می شود تا آذربایجان
سیویل سیم کشیده خواهد شد آتش ۸۸۲ سلسله اخبارات مصر و کجایم
پرنس فروری نینه حکمران بلخارستان که قدم بوسی اعلمتت افسر سلطان
مشرف شده بود میگویند بر خلاف فرضی دولت روس بود حتی دولت
روس بجایه منع هم کرده بود پرنس موصوف محض آنکه ثابت کند که حکمران بلخار
تحت حمایت روس و فرمان او نیست احتشانی نکرده با اسلامبول آمد پرنس
اراده بر این بود در تبریز سیمک ملاقات امپراطور روس را هم بناید من باب باره
روس انحرکت با اسلامبول مسافرت پرنس برگ را موقتا موقوف داشت
چون این سلسله سیکر ثابت شده است که دولت روس باطلان تحقیق با
در سلسله گناه ادا و در باطن کوشان است باشنگان امریکا از فرانسه
عداوت پیدا کرده داین عداوت و نفرت دولت امریکا عودت پیدا کرده
چنانچه انالی امریکا ظاهر داشته اند که در نیش راس نایه نوزدهم پاریس
نهاییه و کسانیکه از امریکا در موسم بهار بسیر در پاریس میرفتند من بعد نروند
سلسله تجارت را با فرانس قطع کنند و سعت تجارت خود را در فرانس و
بدهند از آلمان راضی و با انگلیس متحدانه از انطرف هم فرانس روس ایتالیا
استیبارا با خود مع نموده اگر این رقابت و کشیکی باعث جنگ عمومی شود
بعید نیست

۱۸۹۸ عیدوی از نهر سویتز (۲۹۸۶) هزاران مکرده نسبت سال سابق
چهارم عبور کرده از بند آن چهار تا یک ۱۸۹۶ از نهر سویتز عبور کرده ۱۹
مال مقصد دولت انگلیس بوده داخل نهر سویتز در ۱۸۹۶ (۷۵۶۷۰۳۹)
فصلی که نسبت سال ۱۸۹۶ هفت میلیون فدرل کم بوده است
دولت روس را غم را سخت که از طرف سیستان سلسله راه آهن خود را
بکویته علاءه بر معادن یونیک این راه و تجارت ترکستان و مبادی و امریکی دارد
دو کجی گوش و در بری و هم بنده از جای خود نمی جنبم) دیگران بهر دو آبادی
مالک با تجویز کتبتة قمار ملکت ایرانه هرگز از خواب غفلت میدارند و همیشه
تعمیر ملک آبادی وطن و توسعه و ترقی تجارت برخواهیم آمد

آنگاه میرا ملت انگلستان بجهت سردار کچور (۷۹۸۰۰۰) در باقیه فرط کم کرد
که شصت صد نهاده بودند روانه که قتل مصر فری که بیک بکشتن فوق ضایعان خواهد بود
این سرب جنگست با خود پس از قتل فرط ضرورت خواهد بود که قتل زیادی
حکومت قتل فرط شکست سنی تا آنکه بده یک سینه با جنگی کوچک بود که در
وقوع فرط ملایه اقوام هم با ارتباط کلی پیدا خواهد و بجهت و او انگلستان خواهد پذیرد

(اخبارات و احکام)

شاه راه جدید کار که از کویته بیستان حکومت هند تازه افتتاح کرده زاید از این در معاملات تجاری میفروشد واقع شده چنانچه در چهار ماه اول جاری شده بیستون و سیصد و هفتاد هزار روپیه امتداد تجاری خارج و وارد شده (دولت هند ایران را لازم است در کمک سرحد بیستان نظر ثانی کند)

اجرای رسمی کلکتہ تازه اعلان نموده که علاوه بر آنچه در چهارم جولائی تریاک فروخته شده سه هزار روپیه است و پنجاه صندوق تریاک در سوم اگست و یکم سپتامبر به فروش خواهد رسید

بانک پراویا ششماه اول سال را تا سی ام جون حساب کرده نهاد و هفت هزار و هشتصد و نود و نه روپیه بعد از وضع تمام مصارف نفع باقی مانده بحساب دولتی صدی شش کارای بانک منافع داده خواهد شد هفت هزار و هشتصد و نود و نه روپیه از منافع شش ماهی به جهت برافروختن با جمع خواهد شد گذارد

در یکم شهر حال در پنج هفت هزار و سیصد و صد و بیست و یک روپیه تریاک رسیده یا اینکه چنانچه در تشریف شد شش ماهی غلب است اگر چنانچه اعلام باشد بهتر فروش خواهد رفت

۱۸۹۸ (۴۰۸۰۰۰) صندوق تریاک بیست و شش روپیه پیش خواهد شد یعنی هرگاه سه هزار و چهار صد و صد و بیست و یک تریاک بنا بر سه هزار و هفتصد و صد و بیست و یک تریاک که در چهارصد و پنجاه صندوق بیجا صندوق هم مال طرف ماه اپریل گذشته آنچه مال التجاره هفتصد و بیست و یک روپیه بیجا در هفتصد و بیست و یک روپیه است

پنجه (۲۵۶۶۰۴) هند رویت (گندم ۱۷۴۲۴۷۰) هند رویت
 تخم کتان (۵۱۰۲۵۰) هند رویت (کنجد ۲۰۶۱۵) هند رویت
 تخم خمشاش (۸۵۸۶) هند رویت (تخم زیتون ۱۰۳۹۳۰) هند رویت (فراول ۵۹۲۴۱۵) هند رویت

سپل هندوستان حقیقتاً در گش با انگلستان میرود در المان سه میلیون و در استریا هم بقدر المان در امریکا پنج میلیون و هفتصد هزار روپیه اوسط سالانه بفروش میرسد داخل زراعت چنانچه رپورت شده سالانه چهل و پنج میلیون الی پنجاه میلیون است

ماه اپریل گذشته (۴۲۲۰۵۴) گندم که قیمت آن ۳۳۷۱۵۷۵ روپیه بوده در صورت از بندر کراچی بیجا فرستاده شده از ابتدای سال میسوی تا چهارم اپریل که سه ماه و چهار روز است (۲۵۷)

(۲۷۹) سن هند تکب میسوی و (۶۹۷۵۷) سن هند تکب بگذرد
 از رقبه حیدرآباد فرستاده شده
 هفتصد و هشتاد و هشت (۵۳۹) اوجن بوده فعلی راه آهن (نارتبه و سترن ۵۳۹)
 (۲۵۱) روپیه بوده نسبت بهین ایام سال گذشته (۳۷۴۸۷) روپیه زاید بوده تا دوام جولائی زیادتی آمدنی راه آهن مرکز نسبت به سال گذشته (۳۱)
 (۳۳۱۸۱) روپیه بحساب آمده است

تمام آمدنی راه آهن و ستان از یکم اپریل تا یازدهم جون نسبت به سال گذشته همین ایام (۳۱۵۲۵۳) روپیه زاید بوده از یکم جنوری الی سی و یکم مارچ گذشته (۱۵۵۲۷۱۷۷) نسبت به سال گذشته زیاد بوده یک حصه این زیادتی بواسطه ازدیاد تجارت است حقیقتاً در یکم میسوی گشت شوق مردم در سواری راه آهن همیشه شده ولی حصه برگشت بواسطه فرار مردم از بلدی و بلدی دیگر من باب خوف طاعون بوده است

در کسره ویرانی افواه است باز علامت فساد نمایان شده میگویند و شترهای حکومتی قمارت کرده و از زده فقر از سپاهیان باقی مانده رسیده اند (مظنون است که این خبر قرین بصواب نباشد اکنون رسماً ازین و غیره خبری است)

رایعین چائی سیلان هند از صندوق چائی خواهند بقتول امریکایها نمایند مقصودشان هم نیست و هم رواج چائی خود بوده دولت امریکایها نکرده و این منت را بر خود کواران نمود
 از اعلانیکه تنازکی از شمل من باب اطلاق تا گردید میان جنگ کرده اند محکوم شده که بیست و هشت نفر علانیه قتل رسیده که بیست و هشت نفر مقصود است و از دهم جون سنه الی ۸ فروردی سنه هشتصد و چهل و هفت نفر از ک بیماری تلف شده اند

در سنی پو حساب که در کسره ویرانی افواه است باز علامت فساد نمایان شده میگویند و شترهای حکومتی قمارت کرده و از زده فقر از سپاهیان باقی مانده رسیده اند (مظنون است که این خبر قرین بصواب نباشد اکنون رسماً ازین و غیره خبری است)

مقاله یکی از دانشمندان آذربایجان

باری کلام در کیفیت اعلان دولت روس بود که بواسطه سرکردگی مدعی خارجی
 و دسروی رعایای داخل چنین ملکیتی وسیع از دست رفت مساجدش محفل
 قیصره لشکر روس یا اینبار یک شه فاعده ریختن خونهای مسلمانان و حتی
 سلاطین ایران این شد که امروز مشتق مسلمان که در اینجا هستند باید از قنقه
 پیرهنه بکنند و روز پیرهنه نصاری از خانه بیرون نشوند اگر در پیرده سخن کرد
 در شمار محاسبات اگر بی پرده بگفتارینم موجب بلوای است ما هستند از
 که به باریهای دشمن خارجی اطلاعی نداریم چه که مکاتب صحیح ندایم ما هستند
 معنی لایق لیک دول را در ملک خودمان نمی فهمیم بلکه خوبی آنها را نمی شناسیم
 و از توجه افکار آنها مطلع نیستیم چه که مکاتب صحیح ندایم ما هستند از علم سیاست
 بی برطم و همیشه همیشه رفت کنیم غلطت چه که مکاتب صحیح ندایم در صورتیکه
 که ثنائی و بخاری و آتیکری خیال با ده سال تحصیل لازم داشته باشد حقوق علم
 داری نیست سال لایق دارد تا اینکه تصنیع حقوق ناس شود و تا این نویس شود
 شهری که دارالعلم و الادب بود و عروس بلاش میگفتند و در ماه هفتم هجری
 و ادای ستر و برشته مکاتب به حال بنوعی از دانش بل نصیب افتاد
 اند که حکام در محفل حکامی وارد و ام آنها بر عیبت چه پاره لفظ زن قضا است چون
 در مکاتب رفته است و درس ناموس خوانده شد و خوش را این فهمیده که
 از شئون حکومت یکی زنگی داشت است که سخن در و در هفت هشتی با و پر
 باری از قصه در نمایم نوشت آن تیاج که از طینان آب خانه های شرف
 رود نزدیک باغچه ام بود درین هنگام دخترکی گریج را دیدم که پیش چون
 دختران و عوز نکوشش حالش بر روی رخشان و بنفشه میوش بر روی رخشان
 یاد منی پر از خاک در کاهی که پید این شکیبش خاک بود بوی روستان
 و اول ز جای برآمد و اسال تلکب از بای گفتم با خود از بای من شینم تا از بای
 کاشش آبی نیگرم فدا و نباش که قدم کنار رود آمد خاک اردو کن فریخته
 و در بار گشتن با جان کاشش را دیدم چون چند کت گمرا کرد با بسیاری
 شگفتی پرسیدمش که ای سر و خوش قیاس چه میبینی اچو از آزار و آزاریکه
 در آرزو داری گفت ای مرد مگر غیبی با سر گرم با ده غوری مگر غیبی میی که این سیل
 سخرانی وطن عزیز ما دارد و برین است که با ناز و پیشرفت جنگوگری
 کتم تا خانه بموطنان ما را و تنوش خراب نه میم چون بر خوردی سال و در
 همت و دانه اش آگاه شدم بگفت اندر گفتم ای دخترک من این من این من
 چه بر آید ای سپهران بر کشید که خانان به سرم بیوست در کاهی که دانه های

چون ژاله بر لاله رخسار به منقلبه و گفت ای مرد آنچه که امروز از من مشا به
 می شود اگر چه بکنه نیست ولی بفتش غیر تم نمیکند از که بوم خود را احسب
 و خانه دشمنان را آباد میسند نوشتن آن سیلح که دیدم آن دخترک نشست
 بالای زمین و این را فو ما را مثل شانه کل فرا هم در برل گرفت چون تمی که فرزند
 قبر پدر که بکنه آثار گریستن نهاد پس از گریستن شیده سر برداشت و گفت
 ای مرد اگر این بموطنان همسان من بر دایق و دایق آگاهی داشته و از فو ما
 و قواعد زندگی مطلع بودند و همه یک از فرزندان من را چون خود میدنند
 و قیته اخوت و یگانگی و برابری و برادری که صاحب شریعت مقدسه در میان
 آنها وضع کرده مراعات میکنند و نمیکند این قانون که بسبب پیشرفت و تحریک
 جملا و وطن کرده در پاریس وطن ثانوی گیرد و آبادی خانه برادران خود را
 آبادی خانه خودی فهمیده اگر اینها در مکاتب درس ثروت خوانده بودند و در
 نظر از نافع شخصی حسن توجه بمتابع قومی داشته قبل از آمدن سیل بر
 مشتق خاک در کز کاشش نخته بوده امروز سدی استوار بود که پیش بندی میکرد
 این سیل میان کن را با هم امل خانه ایم ثروت را روز میسر بچشم می بینیم
 داد میزیم توی و منی میسند بوجه من چه اکتتم خیراتم اخراجت لایق
 تا عرون بالمعروف و تهون عن المنکر) امر بمعروف و عیاد و جایش گجا
 و قش چه وقت است پیشرفت صد سال اول اسلام را بجهت چه بود پس
 افتادن این صد سال آخری تا این در چه چه انمی فهم بقول در محترم متفاح
 بحث و الفاظ تا چه پایه فکر کنیم (خیر عن عباده ستین سنه) فکر کار کن فکر
 تجارت کن فکران کن فکر کردم کار با بر نعمت طلا پید کردن و بخار و فرشتان
 و در عرض بهجت حسام های ایران طلسم و سی یا مصل کرده آوردن کار خراجت
 شعبانی حسامان و کاشان و اصفهان و یزد را بستن فکر کردم تجارت با حلال
 فسه بی کردن و از نظر بی خیال صاحب ده هزار تومان مثلثات شش شش شدن
 و از طرفی صد هزار تومان ثروت ملی مملکت را تمام کردن فکر کردم
 نان دیدم که سالی شش ماه بعد از پول پیدا کردن ایضا غصه نان داریم و نان
 کخدم خالص و نان کلین چهل سیر تمام پیدا نمی شود (و اول للمطلقین) و کل اوجا
 میخواد علمای بی فکر شولند که ام یک از مولات را اتویه کرده تمام ما را از
 آخست میسند این و اجدید از دنیا میسند از طلاهای ناگمانی آن
 اهل صلیب می ترسانند در تواریخ میخوانیم فکر نمی کنیم فکر ساده خیر من
 عباده ستین سنه) فکر کنیم خیلی در خاطر هستیم حضرت عباس فکر کردم
 میسکوم بر روی میسکوم آقا فکر کردم چه کار چه کار باید از فرنگی باش

چسب می پوشید می شوید پاک نمیشود این تنها با شراب بریده شده نشسته کهن
 مسلمان میکنند چه اینکه فکر کردم خیر معین عباد - - -
 این بود لیکه ملک سید بی آقای محترم چو این پول یک شرکت تشکیل نمکنی و
 تجارت اتونق نمیکنی که یک چهل بار بانی درست کنند سیکولی شغل من
 تجارت نیست شغل من شرع بانی نیست چه فکر کردم خدمت او هم زارع
 نوع تجارت او در آن روز که موسی شبان بود تمام رسل تجارت میفرمود چون او
 اشرف اینها بود اختیار تجارت فرمود تو هم اشرف امی تشکیل تجارت
 کن نان حلال بخور پولی که در جیب بانی دارا شرح بدیده حرام است فکر کردم
 تخفیر نمکنی فاضل منافی گفت روسیه بانی یا مودائی عمو
 لغه نانی درست آوازو پس شکل تجارت بهتر است نسبت
 فدا میدانه تو میدانی من میدام که غرض در میان نیست آخر فکر می که بهتر
 از هفتاد سال عبادت است کدام است خندق و در شهر بدیده کنن یعنی
 چه هفتاد نفر از رشکاف که به جهت محافظه فرستادن یعنی چه کار یا کان با
 قیاس آن خود دیگر و این طور با مود بود و عجب نامور بشمید زنگانی میستم خندق
 هیئت جامعه اسلام را با بناید و فکر بشیم ما بناید و فکر کنه و اشیم ما بناید
 اطلاعات خارجی کسب کنیم این چه نهارا افاضه بدیندایم خیر فکر کنیم
 از باد کویر می آدم دیدیم یکی از علمای متدین را که چپاره ایداز موعظه
 عبادت میکرد و دو ان دو ان بخانه میرفت شب بجهت زیارت
 ملاقات دست او میگفت چند سال است که جبهه مبارک بجهت
 موعظه و نصیاح و نماز دیگر از خانه بیدون نمی آیم سبحان الله دست
 ولایت بالای مسلمانان تقاضا بندیدار سلطان اینها عربی بود و عجب مسلمانان
 هست درستان با حال چیست چو این روز افتاده از جبهه اکثریک مسلمانان
 خود بالنده بخوار در فاشه خانه برود پیشش میستو منیع کند جای شکر آفتاب
 که درین دین مقدس اسکونه نطقه با میدانی شده والا کسی بود چه قانون
 حق منع ندارد چه این طور شده قبل از وقت فکر کردند با وجود بودن
 کل بجنایات بیفاده پرده خستند فکر کنیم ما سمت پوری و بزرگی داریم لازم
 پوری صیحت حفظ تمام جهات ناقصه فکر کنیم وقت تلک است روزا نیکویم
 افکار بزرگان فتنه انگ اور باره خودمان محضم درست تامل کنیم این فتنه
 ازین معارف چه غرض دارد شهرت میخواهد با کسی استثنائی ندارد کار سیکونه
 نان میخورد با خون بسکر و سکر که غذا یا استعجال از محکم مساجد ما را بر
 فتنه رده علمای ما را باین افکار متوجه دار این سلطان جبهه در جهت

کن این شخص اول ما را که آثار فلاح و دوستکاری در محاش هویدا است
 دار تا بلکه از تابش آفتاب عنایت سلطانی و مهر بانی و کلامی ملت دوست
 و همه امی علمای باغیش شریعت پرور ما هم پیشرفت کنیم ما هم از استقلال خود
 اینت داشته باشیم ما هم از دست و زبان این حکام لی تربیت آموه باشیم
 فکرم کردم این حکام از جا هستند از خود ما هستند از جهتم نیاید اند که خدای
 از اهل خوده است چه با ما هم سلطان خود این طور میسکنند چه طرف
 جانب علی یک رایسکر داشته و فرد نشان تجار است و متعددی در عدم قانون
 صحیح در بودن قانون و وکیل مجلس اجرای قانون به متعهدی لازم میشود و لایق و
 مکتوب در مقامات عبتان

و از آن طرف سواره عیب کلا پیاده شده با پیاده خویش پیر شیخ سلطان
 و بجای میفعلی و عبد العلی و عبد الحسن هر یک مقدم طائفه خود افتاده در همان روز
 نخست از سمت ساوشمال خلف آباد بر سنکر آباد روزه و شکافهای کنار رود
 حسله آورد و پنج شش سکر عظیم را گرفته تعکیان میرفصل آباد دست فرعی
 پس نشاندند جای خود را محکم نمود و شلیک تفنگ جماعت فیصل را یکی از عیب
 درین چند روز که تیر اندازی جاری بود جواب میگردند و هم بغارش کلاری
 اقسای فیصل خان هم عدم مساعدت موقع جماعت بتیاری در تیر اندازی تقاضا
 ورزیدند و بالنسبه بیستون گفت اید تیر تفنگ ما نکردند بلکه در کار محاصره
 و سنکر تندی محکم اند و مردانه و باقیاتانه با کمال خرم و خود واری مصلح محکم
 سکه در خویش بودند

اما عاب چوب با تفکی فیصل گرم بگردن و بتان بودند و درین میان دو نفر از شیخ
 زادگان چوب یک نفر غلام کشته شد و یک نفر زخمی و از کمان میرفصل خان عیب
 او دست چهار نفر دیگر کشته شد و چند نفر زخمی شدند
 فتنه دای غنیمین روز محاصره جناب جلالتاب اهل آقای بلخی خسرو خان بهادر الله
 و سکر امیرالامرا و یوسف خان با یکصد سوار گردیدند از راه حشر شریف آوردند
 و بکنه نکارنده را آرزو حرکت داده در کاب خویش بفریسن بعد ازین
 راه که عبور بسکرهای میرفصل افتاد و آرزو نیز رسید جماعت اند از جهت
 بهادر الله که حکم فرمودند احدی تفنگ نیندازد و اسب خود را از آن دست
 بمقتضی خویش برود چنین کردند و از مقررات الهی این همه تیر بادی حرکت
 تا وارد سن شدیم
 از آن طرف خبر آوردند که شیخ دریمی بن شلا که از روسای مشایخ چپ است
 با دو سه هزار سوار پیاده و چوب تیر یک صحنی بود و با چوب تیر یک فیصل بدین

تذکرات خارجه

۱۳ شهریور ۱۳۰۳ از لندن آخبرین واسه که از ستیا گو رسیده است ظاهر میدارو که قریب عهده جنگ بوده و از طرفین شلیک گلوله توپ و تفنگ بوده است چهار تانگی امریکا قلاع اسپانی را تانگه نموده بود چون امریکا بدور روی خود خندق میگذراند حالات صحیح جنگ ستیا گو را امریکا نمیدانند

روز شنبه خبر داد ستیا گو جنگ بسیار سختی شده بود فریقین نقصان زیادی دیده جنرال شافر کتبوی نوشته است که قلاع ستیا گو نهایت محکمست با این قشون موجوده هرگز ممکن نیست حمل بر آن وینست شکایت از کما خستگی قشون خود همگس نموده بود و وقت آمد و رفت مراسلات را هم در کمال دولت امریکا جنرال شافر را امر نموده است که در کوه های قرب ساحل فتح اندکی آرام نماید و منتظر رسیدن قشون محکم باشد

وزیر جنگ امریکا اظهار داشته که مجده جنگ شروع شده جا نیست در جنگ مجده گذشته مقتولین و مجروحین امریکا تخمین از ششصد الی هزار بوده است و اسپانی از چهار هزار الی شش هزار تخمین شده جنرال لانس کاندان اسپانیادین جنگ قریب شش ماه فوری جنرال تورال را بیهوده قتل کرده تمام دولت منگ متصرفه که عساکر اسپانیاد اسپهنگری را او در دست گرفته جنگ خوب جنگ کرده

۴ شهریور از واشنگتن - امیر البحر سیمون بوم یکشنبه در جل بندگاه ستیا گو شده چهار تانگی اسپانیار احضار کرده قشون امریکا در چهار (اف بیکن) سیزدهم سوار شده در جل جزیره (کیویت) گشته جزیره مذکور استخر نموده حکومت و جنگی آنرا امتیحه کرده است و متصداری از قشون را بجنودان ساحل و کیویت گذارده اند

جنرال شافر سرداران اسپانیاد خوف و بیم میدید که فوری ستیا گو را غالی نمایند و در نه توپخانه امریکا قلاع ستیا گو را ویران خواهد کرد بعضی امکان چنانست که سرداران اسپانیاستیا گو را تسلیم نمایند

بموجب کتبوی که جنرال شافر حکومت امریکا فساد چهار تانگی اسپانیادوم یکشنبه بندگاه ستیا گو را ول کرده بقدری خسارت شده اند که قابل تاسف است که کارروائی نمیشد از کتبوی بعد ظاهری شده که اسپانیاد تمام اتواب خود را از چهار تانگی بر ساحل فرود آورده چهار تانگی را هم آتش زده اند

جنرال لانس کاندان اسپانیاد که خبر شده رحلت کرده و پسرش از اسپانیار رسیده ظاهر میدارو که در جنگ ستیا گو درجه ششده است و همساز نفر قشون اسپانی تلف شده شش هزار انواق بوده یکشنبه امیر البحر اسپانیاد چهار تانگی خود را شامل ستیا گو حرکت داده و امریکادوی را تعاقب کرده جنگ بسیار سختی شده و مجروحان امریکادوی با اصل ستیا گو کرده میگویند اسپانی چهار تانگی خود را آتش زده اند قشون امریکادوی که سپاهی که امیر البحر سردار هم شاق است از قشون اسپانیاد امیر کرده

وقایع اول ساره از جنرال شافر قشونش کرده اند که تا شنبه ششصد جنگنده حمله میکنند تا رعایای خارجه از قلمه بیدون روند درین دو هفته روزگوشه در صلح خواهد شد

من باب محلی از فوج اسپانیاد ستیا گو آمده او را با مخزن شینه و مشوه این وقت نزد امیر البحر امریکادوی فوج موجود است که دست اندازد در ساحل ظاهر شده جنرال بر ستیا گو نماید

خبریکه از منیلا رسیده ظاهر میدارو که چهاردهم قشون امریکادوی و مجروحان بر ستیا گو حمله خواهند کرد

از رپورت رسمی امریکادوی میگوید که امیر البحر اسپانی (سرویرا) مجموع و سیصد و پنجاه سپاه تلف گشته و یکصد و شصت مجروح کرده هزار و شصت نفر بیدار شده اند

تاکنون در اطاعت قشون اسپانیاد امیر ظاهر شده در ساحل منتشر شده اند پانزدهم از لندن (کمبریا) امیر البحر اسپانیاد و کتبوی چهار تانگی خود را در سوزش که کشتیهای موشک که همراه داشت روانه اسپانیاد نموده درین چهار تانگی بسیار بزرگ موجود است

شانزدهم ظاهر قشون امریکادوی که بر ستیا گو ششصد و نود تانگی شامل تمام شده بر واسطه کثرت باران و اسلحه بار دوی مرکزی دشوار است بهر حال هم صفرا لندنی من باب الحاق جزیره هوائی در پارلمان دولت آمارونی بحث است

همچو هم تذکراتی از قشون امریکادوی میگویند که تا دیروز از طرفین شلیک نمیشد باینکه ایام جهلت برآمده از دو لیتین متخاصمین قشون خود خبر رسیده که در اسپانیاد امریکادوی صلح در پیش است ۱۹ جنگجوی که بجهت لیتین متخاصمین بودند در طرفین و جنرال لانس کاندان ستیا گو

والا حضرت امیر بخارا اراده دارد که با جاذبه امپراطور روس از راه اسلامبول
بزیارت بیت الله الحرام برود و معلوم نیست دولت روس اجازه داده است یا نه
از روی عطفت خسروانی علیحضرت است و سلسله سلطانی خطای نوزده نفر از سلاطین
مخوفند که مودت

باب عالی ادای تاوان جنگ روس را بدین اصول تجویز نموده که بیست و یک هزار
لیره عثمانی نقد داده شود و دو قط تاوان که عقب افتاده بانک عثمانی
چون قط که هر یک قط آن دو بیست و هشتاد هزار لیره است فرماید بقیای
تاوان جنگ باین قسم ادا خواهد شد شش صد هزار لیره من باب مصارف
اسرای ترکی علاوه بر اینست

در کاپلیک روزها تزار بواسطه تقصیر داری و مخالفت بعضی باکرا و فساد
فقره ای شده پولیس و سپاه فوری جلو گرفتند اگر اینها استند که در
حکم مظهر بریزند و فدا کنند پولیس و سپاه مانع شده اگر او بشد
باین گفت بر فاسته زود و خرد شده ولی از تدا بیست و نامورین فوری رفع
بند فاکتات کرده قایم نگار جل المین سه هفته قبل مفضل حالات را نوشته بود
اسطوره مراتب چند که ذکرش مناسب نیست ترک کردیم

فصل انبساط جری راه آهن تا اعتباره تکمیل شد تمام افکار انجمن
که در وقت بودند با موریت خود باز آمده اند و دست نیست هزار
لشش انگلیسی خواهند بود درین جنگ اقدام خواهند کرد و کجما از
مسافر و فزطم ملی مسافت خواهد شد یکصد و هشتاد میلست

حضرت سلطان در محاطات مصر نسبت سابق زیاد تصرف و حکم
یکصد (لا در کار) وزیر سیاسی دولت انگلیس بود اساکت است
چنانچه منع مسروش راه آهن جدید سودان نوشته ایم
مردمان مشامات که در مصر متوطن شده اند خواهش دارند که در مسامات
ملکی امری پیش باشندگان مصر آنها هم منتخب شوند تصقیقه این امر را شاید
بایعالی اجتهاد بکنند

حکومت عمیره و نظافت و حفظ العتقه اسلامبول از مالیات اکتفا حاصل کرده
بقیای که مانده است بعضی را صرف آرایش شهر کرده باقی را صرف بیماران
مسجد بجهت قرای اسلام خواهد کرد

حضرت سلطان از کیفیت فوت خود بیمار خانه مخصوصی بجهت طفلان تمام
مجلس این دستور موده اند

در مجلس المین میگوید که تغییر معانی شهر اسلامبول روز بروز

زیاد می شود و هر یک روز اسباب تازه در فایمیت عامه در شهر می آید
حضرت سلطان درین موارد کمال دقت را دارند
در اسلامبول این مسئله موضوع بحث است که دولت انگلیس را میگوید
حق تصرف بخاک سودان نیست اگر چه مصارف را دولت انگلیس نقد
میکنند ولی خاک سودان متعلق بجهت است

از زیادتی های دولت روس عدم آزادی مسلمانان بعضی از مشغولات می
او خصوص مسلمانان که میباید دیده از دولت عثمانی در پرتو سبک خواهش کرد
استفراغ نموده اند بجهت جنگ بخاک عثمانی تا اکنون بسیاری هم بجهت
کرده اند چنانچه اگر گرجستان بیست و هتم می نود نفر از مسلمانان بجهت
بخاک عثمانی کرده اند

اهل ایران در دوم بای چهاره شکر خدا بر ایجابی میاورند که آزادند و آزادی
همیشه گویا در اسم مذمبی در ممالک نصاری با اسم آزادی ندهند بر اسم آزادی را
در همان قانون موصوفه خود دست داده اند

جنرال عبداله پاشا با هیئت سفارت فوق العاده خود که نشان ایشان
بجهت امپراطور المان و لیسند و کت زنده دیگر نشان از جانب نسی انجمن
حضرت اقدس سلطان برده بود مصافحت با اسلامبول نمود امپراطور المان
جنرال عبداله پاشا چند مجلس خلوت گفتگو کرده اند میگویند قضا این سفا
با سفارتیکه در پرتو سبک فسه ستاده و سفارتیکه با ستریا میفرستند یکی است
جنرال عبداله پاشا هم درین سفارت محقق المرام شد

حضرت سلطان من باب نقلی بمن رفیع تکلیف رعایا بجهت هزار استه آزادی
روایت شده موده در میان صیدیه و مقام حاجی بجهت قیام حکمرانی
تازه خواهند ساخت و عجب کارزم برست است اما قریب است خواهند
رقبه مسرنا حسیه قی سختی واقع شده که چهارده کان و مکان موقه است
بجهت قیامی بیوگان شده و جنگ برمان وزارت مالیه دولت علیه عثمانی
دو بیست هزار لیره وزارت جنگ داده است

کلیات

بسم الله الرحمن الرحیم ال برای کلیت و صحت آیه های آن در نهایت نیست بجهت
صحت کلیت مثل این پیام بوده از وقت اموات ظاهر شود طاعون بعضی روزها نیست
بعضی روزها یکی دو تا اگر قاری میشوند بر روزشش متلا شده اند با اینکه ایام باران
طاعون شده تیر شش است در کلیت شدت بخورد معلوم شود که این مرض
در کلیت سیرت کلی مثل میباید نگاه کرد و خداوند رحم کند